Archive of SID

فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی
سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۸۵-۶۹

بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امید پورحیدری*، محمدحسن فدوی** و میثم امینی‌نیا***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

چکیده

در این مقاله، تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب از پرداخت مالیات و شفافیت گزارشگری مالی به ترتیب نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی است. نمونه آماری تحقیق شامل ۷۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ است. برای آزمون فرضیه تحقیق از رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: *H20, M41.*

کلیدواژه‌ها: *اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ مؤثر مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی، کیفیت اقلام تعهدی.*

---

* دانشیار بخش حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان ، پست الکترونیکی: Opourheidari@uk.ac.ir.

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، پست الکترونیکی: Mh.fadavi@yahoo.com.

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان(نویسنده مسؤول)، پست الکترونیکی: Meysamaminia@yahoo.com.

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

مالیات هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به‌عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به‌منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. به‌طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهام‌داران انتقال می‌دهد و بنابراین، ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد[1].

همچنان که اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش دهد، از سوی دیگر، به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران، می‌تواند در فعالیت‌های شرکت ابهام ایجاد و زمینه را برای انحراف منافع توسط مدیران مهیا کند که در صورت وجود انگیزه‌های پاداشی برای مدیران، این مسأله می‌تواند کاهش یابد. برنامه‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند صرفه‌جویی مالیاتی را برای شرکت در پی داشته باشد. با این حال، همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه‌ریزی‌های جسورانه مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به‌منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی انجام می‌شود، ابهام فعالیت‌های مالی شرکت افزایش یابد.

در این تحقیق به این موضوع پرداخته شده که آیا اجتناب از پرداخت مالیات بر محیط اطلاعاتی و ابهام شرکت تأثیرگذار است یا خیر؟

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مفهوم اجتناب از پرداخت مالیات

تعاریف متفاوتی از اجتناب از پرداخت مالیات به وسیله محققان ارایه شده است. اجتناب از پرداخت مالیات به‌عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است[2]. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از

1- Desai and Dharmapala, 2009, PP.169–186.
2- Hanlon and Heitzman, 2010, 127-178.

www.SID.ir

Archive of SID

دولت به سهام‌داران انتقال می‌دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اطلاق می‌شود[1]. پاسترناک و ریکو[2] (۲۰۰۸)، اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به‌منظورکاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به‌وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند[3].

براساس تعریف اسلمرد[4] (۲۰۰۴)، نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می‌شود[5]. مثالی از این مورد روش محاسبه هزینه استهلاک است. قانون مالیاتی، شرکت‌ها را ملزم می‌کند که با استفاده از روش الزامی شده در قانون دارایی را مستهلک کنند، اما اصول پذیرفته شده حسابداری به شرکت‌ها اجازه می‌دهد هزینه استهلاک را به‌گونه‌ای محاسبه کنند که اطلاعات بهتری به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی منتقل شود.

۲-۲- انگیزه‌ها و بازدارنده‌های اجتناب از پرداخت مالیات

با توجه به آنکه یکی از اهداف اصلی مدیران و نمایندگان سهام‌داران در شرکت، حداکثر کردن ثروت سهام‌داران است و سهام‌داران با استفاده از سازوکارهای مختلفی به دنبال تحقق این موضوع و نظارت بر مدیران هستند، بنابراین، می‌توان انتظار داشت که یکی از انگیزه‌های اصلی اجتناب از پرداخت مالیات توسط مدیران، تحقق هدف حداکثرسازی ثروت سهام‌داران باشد. افزون بر این، در بسیاری از مواردی که طرح‌های پاداش برای مدیران و گردانندگان شرکت در نظر گرفته می‌شود، بخشی از این طرح‌ها مبتنی‌بر معیارهای عملکرد شرکت هستند. معیارهایی که برخی از آنها به میزان سود شرکت و میزان جریان‌های نقدی آزاد بستگی دارد. ازاین‌رو، می‌توان انتظار داشت که مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته شده از جانب سهام‌داران برای آنها، انگیزه زیادی برای اجتناب مالیاتی داشته باشند، زیرا اجتناب مالیاتی در نهایت، به افزایش سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات منجر می‌شود. این موضوع در تحقیق انجام شده توسط آرمسترانگ[6] و همکاران (۲۰۱۲) نیز تأیید شد و محققان یادشده به این نتیجه

1- Desai and Dharmapala, Ibid.
2- Pasternak & Rico
3- Pasternak and Rico, 2008, PP.33-79.
4- Slemrod
5- Slemrod, 2004, PP.877–99.
6- Armstrong

www.SID.ir

Archive of SID

رسیدند که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده براساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد[۱].

برای شرکت‌هایی که استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی را به کار می‌برند، نگرانی‌های اعتباری عامل مهمی است. بانکمن[۲] (۲۰۰۴)، نشان داد که وقتی یک شرکت به‌طور جسورانه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند، ممکن است برچسب شرکت فقیر از نظر شهروندی[۳] به آن زده شود که امکان دارد تأثیر معکوسی بر نتایج بازار تولید داشته باشد[۴]. تحقیقات قبلی، اثر اعتباری برنامه‌ریزی مالیاتی را برای شرکت‌هایی که متهم به دخالت در سپرهای مالیاتی هستند، مورد آزمون قرار دادند. هانلون و اسلمرد (۲۰۰۹)، واکنش بازار به اخبار مبنی بر دخالت شرکت‌ها در سپرهای مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند[۵]. نتایج تحقیق آنها حاکی از واکنش جزیی منفی بازار و در بعضی موارد که شرکت قبلاً به‌عنوان اجتناب‌کننده از مالیات شناسایی نشده بود، واکنش مثبت بود. همچنین شرکت‌هایی که در صنایع خرده‌فروشی بودند، واکنش منفی شدیدتری به اخبار سپر مالیاتی داشتند.

نگرانی‌های گزارشگری مالی نیز عامل بازدارنده‌ای برای برنامه‌ریزی مالیاتی محسوب می‌شود. انگیزه‌های گزارشگری مالی اغلب با انگیزه حداقل کردن مالیات در تضاد است، به این دلیل که کاهش در سود مشمول مالیات، غالباً سود حسابداری کمتری را نتیجه می‌دهد[۶].

۲-۳- تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی

به‌طور کلی دو دیدگاه پیرامون تحقیقات تجربی در مورد فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد؛ دیدگاه نخست این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پراخت مالیات را انجام می‌دهند. بنابراین، از منظر سرمایه‌گذاران، اجتناب از پرداخت مالیات افزایش‌دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به‌کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند. مثالی از این دیدگاه از فعالیت‌های

1- Armstrong et al, 2012, PP.391-411.
2- Bankman
3- Poor Corporate Citizen
4- Bankman, 2004, PP.9-37.
5- Hanlon and Slemrod, 2009, PP.126-141.
6- Shackelford & Shevlin, 2001 and Scholes & Wolfson, 1992.

www.SID.ir

Archive of SID

اجتناب از پرداخت مالیات، تحقیق فیلیپس[1] (۲۰۰۳) است که بیان کرد پاداش دادن به مدیران واحدهای تجاری برمبنای سود پس از مالیات،کاهش‌دهنده نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌هاست[2]. براساس دیدگاه نخست، صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منبع مالی ارزشمندی برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد[3].

دیدگاه دوم به مسأله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت، اجتناب از پرداخت مالیات به‌عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است (نظریه فرصت‌طلبی مدیریتی)[4]. دسای و دارماپالا (۲۰۰۶)، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات را با در نظر گرفتن تضاد منافعی که در نتیجه جدایی مالکیت و کنترل و استراتژی اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود، مورد بررسی قرار دادند. این محققان بیان کردند که استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این‌کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از ممیزان مالیاتی صورت می‌پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند و این پرسش را مطرح کردند: از آنجا که استراتژی جسورانه مالیاتی رابطه مکملی با منحرف کردن منافع توسط مدیران دارد، منافع خالصی را برای شرکت ایجادمی‌کند؟[5].

به میزانی که رویه‌های جسورانه مالیاتی، پنهان کردن حقایق به‌منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی را دربر می‌گیرد، می‌تواند ابهام شرکت را افزایش دهد. کیفیت گزارشگری مالی و سیاست افشا بر میزان شفافیت شرکت تأثیر می‌گذارند. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و موجب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ابزارهایی برای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی فراهم آورد که این ابزارها شامل دست‌کاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سایر فعالیت‌های منحرف کردن منابع است[6]. کیم و همکاران

1- Phillips
2- Phillips, 2003, PP.847–874.
3- Kim et al, 2010, PP.639-662.
4- Managerial Opportunism Theory
5- Desai and Dharmapala, Ibid.
6- Ibid

www.SID.ir

Archive of SID

(۲۰۱۰)، دریافتند که فرار مالیاتی آثار منفی بر محیط اطلاعاتی و گزارشگری شرکت دارد. این موضوع به مدیران امکان می‌دهد تا در راستای دستیابی به منافع شخصی خود معیارهای عملکردی شرکت را دست‌کاری کنند[۱]. بوشمن و اسمیت[۲] (۲۰۰۱)، بیان می‌کنند که ابهام ناشی از فعالیت-های فرار مالیاتی، می‌تواند تضادهای بین مدیران و سهام‌داران راتشدید کند[۳].

برنامه‌ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه‌جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. با این حال، به‌طور هم‌زمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می‌دهد و به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به‌درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد[۴]. به عبارت دیگر، افزایش مشکلات شفافیت باعث به‌وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، سهام‌داران، بستانکاران، مدیران و... خواهد شد. یکی از هزینه‌های بالقوه برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، تأثیر این برنامه‌ها روی شفافیت گزارشگری مالی شرکت است. شفافیت کم مجموعه‌ای از هزینه‌ها را بر شرکت تحمیل می‌کند که شامل بالا رفتن هزینه تهیه سرمایه از طریق سهام و بدهی، تشدید مشکلات حاکمیتی و کاهش بهروری سرمایه‌گذاری است[۵].

۳- پیشینه تحقیق

بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۲)، به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیلگران به‌عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند[۶].

1- Kim et al, Ibid.
2- Bushman & Smith
3- Bushman and Smith, 2001, PP. 237-333.
4- Balakrishnan et al, 2012.
5- Biddle & Hilary, 2006 and Leuz & Verrecchia, 2000.
6- Balakrishnan et al, Ibid.

www.SID.ir

Archive of SID

چن[1] و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین میزان شفافیت شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات با در نظر گرفتن تضاد منافع بین سهام‌داران و مدیران پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به‌عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه میزان اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر است[2].

چن و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند که اجتناب از پرداخت مالیات به‌طور مثبتی با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه دارد. این نتیجه با این دیدگاه که اجتناب از پرداخت مالیات، امکان خارج کردن منافع مدیریتی و پنهان کردن اخبار بد از طریق فراهم کردن ابزارها، نقاب‌ها و حوزه‌هایی برای این رفتار فرصت‌طلبانه را فراهم می‌کند، سازگاری دارد. پنهان و انباشته کردن اخبار بد طی دوره‌های متوالی ریسک سقوط قیمت سهام را دربر خواهد داشت. به این دلیل که اخبار بد انباشته شده از یک نقطه اوج فراتر می‌روند و همگی یک‌باره آشکار می‌شوند. به‌علاوه این محققان بیان کردند که ارتباط مثبت بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک سقوط قیمت سهام، وقتی شرکت‌ها یک سازوکار نظارت خارجی مانند مالکیت نهادی دارند، ضعیف می‌شود[3].

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند. این محققان از تفاوت سود مشمول قطعی شده و سود مشمول مالیات واقعی به‌عنوان معیار فرار مالیاتی استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که فرار مالیاتی به ریسک سقوط آتی قیمت سهام منجر می‌شود. به این مفهوم، در شرایطی که شرکت فعالیت‌هایی را برای فرار از مالیات انجام می‌دهد، به دلیل آنکه این فعالیت‌ها مستلزم استفاده از یک سیستم گزارشگری مبهم و پیچیده است، توانایی مدیران برای نگهداری و انباشت اطلاعات منفی در داخل شرکت افزایش و در نتیجه، ریسک سقوط آتی قیمت سهام افزایش می‌یابد[4].

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. روش انجام این تحقیق از نوع پرسشنامه‌ای بود. نتایج تحقیق آنها بیان‌کننده وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بود،

1- Chen
2- Chen et al, 2009.
3- Chen et al, 2010, PP.41.61.
۴- فروغی و همکاران، ۱۳۹۱، صص ۱۰۱-۷۱.

www.SID.ir

Archive of SID

به‌طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد[۱].

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲)، با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۷۵ شرکت در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد. با وجود این، نتایج تحقیق بیان‌کننده آن بود که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق گواه آن بود که مالکیت نهادی به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد[۲].

فروغی و احمدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین ترکیب سهام‌داران و کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ پرداختند. در این پژوهش، از ارزش مطلق خطاهای برآوردی به‌عنوان نماد کیفیت اقلام تعهدی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که ترکیب سهام‌داران آنها به‌طور عمده متشکل از سهام‌داران نهادی است در مقایسه با شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آنها به‌طورعمده دربردارنده سهام‌داران انفرادی است، دارای کیفیت اقلام تعهدی بالاتری هستند[۳].

پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. خصوصیات اصول راهبردی شرکت در تحقیق آنها شامل اندازه هیأت‌مدیره، ترکیب هیأت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و اندازه مؤسسه حسابرسی بود. نتایج آنها حاکی از وجود یک رابطه منفی بین ترکیب هیأت‌مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی با مدیریت مالیات بود. همچنین بیان کردند که بین

۱- عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۳۷-۲۲.

۲- پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲.

۳- فروغی و احمدی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۲-۹۰.

www.SID.ir

Archive of SID

دوگانگی مدیرعامل و مدیریت مالیات رابطه مثبتی وجود دارد. با این حال، بین اندازه هیأت مدیره و مدیریت مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد[۱].

٤- فرضیه تحقیق

فرضیه ۱: شرکت‌هایی که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند، شفافیت گزارشگری مالی کمتری دارند.

٥- روش تحقیق

این تحقیق، از جهت همبستگی و روش‌شناسی تحقیق، از نوع شبه‌تجربی و پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، ازاین‌رو، نوعی تحقیق کاربردی است (این تحقیق از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است).

٦- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای فروردین ۱۳۸۰ تا پایان اسفند ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی و با اعمال شرایط زیر انتخاب شده است. به این صورت که شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بودند، انتخاب شدند:

۱- شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲- در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.

۳- سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشند.

۴- اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش در آنها وجود داشته باشد.

با اعمال شرایط یادشده، ۷۵ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که با توجه به ماهیت ترکیبی داده‌ها تعداد مشاهدات این پژوهش ۷۵۰ سال - شرکت است.

۱- پورحیدری، برهانی‌نژاد، ۱۳۹۱، صص ۹۸-۸۵.

www.SID.ir

Archive of SID

۷- مدل و متغیرهای تحقیق

در این تحقیق برای آزمون فرضیه تحقیق از مدل شماره (۱) استفاده شده است. این الگو به شرح زیر است:

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 T\,Avoid_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Age_{it} \quad (۱)$$

در این الگو، (AQ) معرف کیفیت اقلام تعهدی شرکت i در سال t است. در این تحقیق از قدر مطلق پسماند اقلام تعهدی به‌عنوان معیار شفافیت گزارشگری مالی استفاده شده است. هر قدر مطلق پسماند اقلام تعهدی بیشتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر است. شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی نامناسب، محیط عملکردی متغیر و ناپایدار خواهند داشت و پیش‌بینی سود در آنها دشوارتر خواهد بود. بنابراین، کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر با کیفیت سود پایین‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر مرتبط خواهد بود[1]. برای به‌دست آوردن پسماند اقلام تعهدی از مدل کاسنیک[2] (۱۹۹۹) استفاده شده است. به این منظور از مدل شماره (۲) استفاده می‌شود:

$$ACCR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1[\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} + \Delta INV_{it}] + \alpha_2 PPE_{it} + \alpha_3 \Delta CFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در این رابطه، اقلام تعهدی (ACCRit) است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$AACR_{it} = EARN_{it} - CFO_{it}$$

در این رابطه $EARNi_t$، سود ناشی از فعالیت‌های عملیاتی و CFO_{it}، جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است.

$\Delta REVit$ = بیان‌کننده تغییر در درآمد از سال t-1 تا t.

$\Delta RECit$ = تغییر در حساب‌های دریافتنی از سال t-1 تا t.

$\Delta INVit$ = تغییر در موجودی کالا از سال t-1 تا t.

ΔPPE_{it} = ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

ΔCFO_{it} = تغییر در جریان نقدی عملیاتی.

$\boldsymbol{\varepsilon}_{it}$ = پسماند مدل و تعیین‌کننده کیفیت اقلام تعهدی.

1- Barth & Kasznik, 1999, PP.211-241.
2- Kasznik

www.SID.ir

Archive of SID

به‌منظور همگن کردن داده‌ها، تمام عوامل الگوی مزبور بر مجموع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده‌اند.

اجتناب از پرداخت (T Avoid): هانلون و هتزمن (۲۰۱۰)، بیان کردند که تعریف و اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات (جسورانه بودن مالیات) مشکل است[۱]. در این تحقیق به پیروی از دیرنگ[۲] و همکاران (۲۰۰۹)، از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR[۳]) استفاده شده است[۴] که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{Total\ Tax\ Expence_{it}}{Pre\ Tax\ Income_{it}}$$

که در رابطه فوق $\text{Total Tax Expense}_{it}$ کل هزینه مالیات شرکت i در سال t و $\text{Pre Tax Income}_{it}$، بیان‌کننده سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است.

۸- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی ارزش دارایی‌های شرکت به‌دست می‌آید. گروهی استدلال می‌کنند که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد و ارتباط با مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ و... را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند. گروهی دیگر استدلال می‌کنند که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی دارد و دلایلی مانند فشار وارد شده بیشتر بر شرکت‌های بزرگ، قدرت چانه‌زنی بیشتر شرکت‌های بزرگ با حسابرسان و گسترده‌تر بودن دامنه استفاده از رویه‌های حسابداری را بیان کرده‌اند[۵].

نسبت بدهی (Lev): از تقسیم کل بدهی‌ها بر دارایی‌های شرکت به‌دست می‌آید. کوهن (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که از اهرم مالی بالاتری برخوردار هستند با احتمال

1- Hanlon and Heitzman, 2010, PP.127-178.
2- Dyreng
3- Effective Tax Rate
4- Dyreng et al, 2009.
۵- نیکومرام و بادآور نهندی، ۱۳۸۸، صص ۱۸۷-۱۴۱.

www.SID.ir

Archive of SID

بیشتر اطلاعات مالی را با کیفیت بالاتر ارایه می‌کنند[1]. به بیان دیگر، شرکت‌های با اهرم مالی بالا، کیفیت گزارشگری بالاتری دارند.

عمر شرکت (Age): دوره زمانی است که شرکت به فعالیت مشغول است. انتظار می‌رود با افزایش عمر شرکت، کیفیت گزارشگری مالی افزایش یابد.

۹- یافته‌های پژوهش

۹-۱- آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در جدول شماره ۱، منعکس شده است. همان‌طور که در جدول مشخص بوده، میانگین اقلام تعهدی ۰/۰۷۶، است. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی، ۰/۱۱۴ است، در حالی که نرخ مؤثر مالیاتی قانونی ۲۲/۵ درصد بوده و این انحراف از نرخ قانونی بیان‌کننده فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی است.

جدول ۱- نتایج آمار توصیفی

متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
کیفیت اقلام تعهدی	**AQ**	۰/۰۷۶	۰/۰۵۳	۱/۰۴۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۸۹
نرخ مؤثر مالیاتی	**ETR**	۰/۱۱۴	۰/۱۲۴	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۸۴
اندازه شرکت	**Size**	۱۳/۰۶۶	۱۲/۸۸۲	۱۷/۷۸۶	۹/۷۹۷	۱/۴۱۴
اهرم مالی	**Lev**	۰/۶۶۰	۰/۶۶۷	۱/۷۱۵	۰/۱۶۸	۰/۱۶۸
عمر شرکت	**Age**	۳۴/۷۵۳	۳۶	۵۸	۸	۱۰/۴۷۷

برای بررسی وجود رابطه خطی و شدت همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که در جدول شماره ۲، آمده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود، بین کیفیت اقلام تعهدی و نرخ مؤثر مالیاتی همبستگی معنادار و منفی وجود دارد. از بین متغیرهای کنترلی بین اقلام تعهدی و اندازه شرکت همبستگی معنادار وجود دارد، اما بین اقلام تعهدی و نسبت بدهی و عمر شرکت همبستگی معناداری وجود ندارد.

1- Cohen, 2004.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

	AQ	ETR	Size	Lev	Age
AQ	۱				
ETR	-۰/۱۵۵***	۱			
Size	۰/۰۸۵**	-۰/۱۸۳	۱		
Lev	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۵	۰/۰۶۳*	۱	
Age	۰/۰۰۹	-۰/۰۵۹	۰/۲۹۰***	-۰/۰۴۲	۱

توضیح: *** در سطح ۱٪ معنادار ** در سطح ۵٪ معنادار * در سطح ۱۰٪ معنادار

۹-۲- انتخاب الگو برای مدل

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی(OLS[1]) و برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین ـ واتسون استفاده شده است. در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب اثرات مقطعی و اثرات زمانی معنادار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به‌وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین زد. در بیشتر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنادار هستند، این مدل به مدل رگرسیون ترکیب شده معروف است[2]. با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول شماره ۳، سطح معناداری آزمون چاو زیر ۰/۰۵ است. بنابراین، برای برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شده است. همچنین سطح معناداری مربوط به آزمون هاسمن زیر ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثرات ثابت استفاده شود.

جدول ۳- نتایج آزمون چاو و هاسمن

	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	روش تأیید شده
آزمون چاو	۲/۵۷	۷۴/۶۷۰	۰/۰۰۰	رد H_0	**روش داده‌های پانل**
آزمون هاسمن	۱۷/۷۱	۴	۰/۰۰۱	رد H_0	**روش اثرات ثابت**

1- Ordinary Least Square
2- Yaffee, 2003.

www.SID.ir

Archive of SID

۹-۳- آزمون فرضیه تحقیق

در فرضیه تحقیق به این موضوع پرداخته شده است که آیا فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات یا به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی مالیاتی بر میزان شفافیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد یا نه؟ همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، آماره F به‌دست آمده از مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، بنابراین، کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. آماره دوربین ـ واتسون ۲/۰۸ است که بیان‌کننده نبود خودهمبستگی بین اجزای اخلال رگرسیون است. همچنین برای بررسی هم‌خطی از عامل تورم واریانس استفاده شده است، چنانکه درجدول شماره ۴، مشاهده می‌شود، تمام عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ بوده که بیان‌کننده نبود هم‌خطی بین متغیرهای تحقیق است. نتیجه حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که ضریب نرخ مؤثر مالیاتی (۰/۱۱۲-)، منفی و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. هرچه نرخ مؤثر مالیاتی شرکتی کمتر باشد به این معناست که آن شرکت بیشتر از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند. همچنین هرچه بیشتر از پرداخت مالیات اجتناب کند، قدر مطلق اقلام تعهدی بیشتر خواهد بود و در نتیجه، شفافیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد، بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ٤- نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Tax\ Avoidance_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Age_{it}$$

متغیرها	ضریب	آمارهt	سطح معناداری	عامل تورم واریانس	تولرانس
مقدار ثابت	۰/۰۷۲-	۰/۸۲۰-	۰/۴۱۲	-	-
ETR	۰/۱۱۲-	۲/۳۶۴-	۰/۰۱۸	۱/۰۳۵	۰/۹۹۶
Size	۰/۰۳۳	۳/۳۲۴	۰/۰۰۱	۱/۱۳۲	۰/۸۸۴
Lev	۰/۰۵۲-	۲/۰۰۲-	۰/۰۴۶	۱/۰۰۹	۰/۹۹۲
Age	۰/۰۰۷-	۳/۵۶۰-	۰/۰۰۴	۱/۰۹۶	۰/۹۱۲
آماره F				۲/۷۵	
معناداری آماره F				۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده				۰/۱۵	
آماره دوربین ـ واتسون				۲/۰۸	

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

اجتناب از مالیات، فعالیتی ارزش‌زاست و یک جریان نقدی را به درون شرکت ایجاد می‌کند و معنی مشابهی با فعالیت‌های جسورانه مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی و مدیریت مالیات دارد. از سوی دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر بگذارد. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق می‌شوند و سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند. دسای و دارماپالا (۲۰۰۶)، معتقدند معاملات پیچیده اجتناب از پرداخت مالیات می‌توانند مدیریتی با ابزارها، نقاب‌ها و حوزه‌هایی برای رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی، مانند دست‌کاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سایر فعالیت‌های منحرف کردن منابع فراهم کنند[1]. در این تحقیق تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور از نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات و قدر مطلق پسماند مدل کاسنیک به‌عنوان معیار شفافیت گزارشگری مالی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. این موضوع را می‌توان این‌گونه توجیه کردکه از آنجا که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است، بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کند تا فعالیت‌ها و رویه‌های مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند؛ به‌طور مثال، صورت تطبیق سود حسابداری و سود مشمول مالیات را تهیه کنند تا اطلاعاتی مفید و قابل اتکا برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم شود.

منابع

الف- فارسی

پورحیدری، امید و امیر سروستانی (۱۳۹۲)، *شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات*، مجله دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۲.

1- Desai and Dharmapala, Ibid.

www.SID.ir

Archive of SID

پورحیدری، امید و سعیده برهانی‌نژاد (۱۳۹۱)، *بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، مجله دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۹.

عرب مازار، محمد، قدرت‌اله طالب‌نیا، حمیدرضا وکیلی‌فرد و محمود صمدی (۱۳۹۰)، *تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی در ایران*، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹.

فروغی، داریوش و نوشین احمدی (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه بین ترکیب سهامداران و کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵.

فروغی، داریوش، منوچهر میرزایی و امیر رسائیان (۱۳۹۱)، *تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۳.

نیکومرام، هاشم و یونس بادآور نهندی (۱۳۸۸) *تبیین و ارایه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران*، مجله فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸.

ب- لاتین

Armstrong, S.C., Blouin, L.J. & Larker, F.D (2012), *The Incentives for Tax Planning*, Journal of Accounting and Economics. 53.

Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), *Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?*, Working Paper, University of Pennsylvania

Bankman, J (2004) *An Academic's View of the Tax Shelter Battle*. In: Aaron, H, Slemrod, J. (Eds.), the Crisis in Tax Administration. Brookings Institution, Washington, D.C.

Barth, M. & Kasznik, R (1999), *Share Repurchases and Intangible Assets*, Journal of Accounting and Economics, 28.

Bushman, R., & Smith, A (2001), *Financial Accounting Information and Corporate Governance*, Journal of Accounting and Economics, 32.

Biddle, G. & Hilary, G (2006), *Accounting Quality and Firm-level Investment*, The Accounting Review, 81.

www.SID.ir

Archive of SID

Chen, Y., Huang, SH., Pereira, R. & Wang, J (2009), *Corporate Tax Avoidance and Firm Opacity*, Discussion Paper.

Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T (2010), *Are Family Firms More Tax Aggressive than Nonfamily Firms?*, Journal of Financial Economics, 95.

Cohen, A. D (2004), *Financial Reporting Quality Choice: Determinants and Consequences*, A Dissertation, Northwestern University.

Desai, M. & Dharmapala, D (2009), *Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment*", National Tax Journal, 62.

Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L (2009), *The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance*. Working Paper.

Hanlon, M. & S. Heitzman (2010), *A Review of Tax Research*, Journal of Accounting and Economics, 50.

Hanlon, M. & J. Slemrod (2009), *What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement*, Journal of Public Economics, 93.

Kim, J.B., Li, Y. & Zhang, L (2010), *Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis*, Journal of Financial Economics, 100.

Leuz, C., & Verrecchia, R (2000), *The Economic Consequences of Increased Disclosure*, Journal of Accounting Research, 38.

Pasternak, M. & Rico, C (2008), *Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis*, Akron Tax Journal.

Shackelford, D. & T. Shevlin (2001), *Empirical Tax Research in Accounting*, Journal of Accounting and Economics, 31.

Scholes, M. and M. Wolfson (1992), *Taxes and Business Strategy: A Planning Approach*, Prentice Hall, Inc. Englewood Cliffs, New Jersey 07632.

Slemrod, J (2004), *The Economics of Corporate Tax Selfishness*, National Tax Journal, 57.

Phillips, J.D (2003), *Corporate Tax-planning Effectiveness: the Role of Compensation-based Incentives*, The Accounting Review, 78.

Yaffee, R (2003), *A Primer For Panel Data Analysis*, New York University, Information Technology Services.

www.SID.ir